



## چرا اعتماد عمومی برای بانک مرکزی مهم است؟

تحقق برنامه کنترل نقدینگی و ترازنامه بانک‌ها، اعتماد عمومی به سیاست‌های بانک مرکزی را افزایش داد

### گزارش

در اجرای سیاست‌های پولی و به نتیجه رسیدن آن، تأثیر داشته و بانک مرکزی کشور هم‌اکنون توانسته تا نگاه‌ها و اعتمادها را به خود جلب کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد ثبات قیمت در بازار دارایی‌ها اعم از طلا، دلار، خودرو و بورس و همچنین کاهش علاقه مردم به هج (تمایل مردم به سرمایه‌گذاری که در اینجا سرمایه‌گذاری نامولد منظور است) و در عین حال افزایش سپرده‌های بلندمدت و کاهش سرعت گردش پول، نشان از بازگشت اعتماد از دست رفته گذشته به بانک مرکزی و اهداف آن است.

**اعتبار بانک مرکزی، پشتوانه پول ملی** «پول» یک اعتبار خوب است و اسکناس و مسکوک در کیف پول یا در سپرده‌های بانکی مادر اصطلاح «پول فیات» هستند. پول فیات، یعنی چیزی مانند طلا پشتوانه پول‌های ما نبوده و آنچه پشتوانه آن را تشکیل می‌دهد، مجموعه نهادهایی است که به آن بانک مرکزی گفته می‌شود. در آخرین اصلاحات قانون پولی و بانکی

کشور که در سال ۱۳۹۶ تدوین شده است، هریال ایران هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم (۰۰۰۱۰۸۰۵۵) گرم طلای خالص است و این بدین معنی است که شما با مراجعه به بانک در ازای پرداخت هریال، باید این میزان از طلا را دریافت کنید. خب مشخص که چنین چیزی نه در ایران، بلکه در هیچ‌کجای دنیا ممکن نیست. بنابراین عملاً طلا جایگاه خود به عنوان پشتوانه پول را از دست داده و آنچه هم‌اکنون پشتوانه پول است، همان اعتماد و اعتبار ناشر آن است.

در واقع پول تبدیل به یک قرارداد اجتماعی شده که ارزش آن به اعتماد به نهاد صادرکننده پول، یعنی بانک مرکزی بستگی دارد. بنابراین اعتماد عمومی سنگ بنای انجام وظیفه اصلی بانک مرکزی یعنی «حفظ ارزش پول» است که این مهم تماماً به تورم موجود در یک اقتصاد برمی‌گردد، یعنی هرچه تورم پایین‌تر باشد، ارزش پول بیشتر حفظ شده و اعتماد به بانک مرکزی و اعتبار آن بیش از همیشه است.

**دوره جدید و تقویت اعتماد به بانک مرکزی** اعتماد به بانک مرکزی دارای دو بُعد بوده که اولین آن بُعد نهادی است. بانک مرکزی گاه‌آهداف سالانه خود در تورم یا نقدینگی را منتشر می‌کند که هرچه این وعده اعتبار بیشتری داشته باشد، اعتماد بیشتری را نیز جلب خواهد کرد. در سال ۱۳۹۸ بانک مرکزی برای اولین بار تورم هدف‌گذاری شده خود را در حدود ۲۲ درصد اعلام کرد که البته عدم تحقق آن مشخص بود. چنین هدف‌گذاری خوشبینانه‌ای از سوی بانک مرکزی با اقبال مردم نیز مواجه نشد و در نهایت نیز تورم همان سال، بالای ۴۰ درصد محاسبه شد. ابتدای سال جاری در ابتکار متفاوت، بانک مرکزی هدف‌گذاری خود از نقدینگی را منتشر کرد. رشد سالانه آن را ۲۵ درصد اعلام کرد. تحقق این رقم هرچند در ابتدا غیرممکن به نظر می‌آمد، اما بانک مرکزی در نهایت با اجرای سیاست کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها، رشد نقدینگی را از ۴۰ درصد به

۲۶ درصد در پایان مهر ماه سال جاری رساند. همین موضوع احتمال تحقق رشد هدف را در نگاه فعالان اقتصادی و مردم افزایش داده است. بُعد دوم، اعتماد به بانک مرکزی بعد از تورم و اهداف آن به نوعی خوش‌بینی ایجاد کرده که می‌تواند فعالان را ترغیب به فعالیت اقتصادی کند و بالعکس می‌تواند رفتار اقتصادی مردم را بدون توجه به عملکرد و اهداف بانک مرکزی نگه دارد. این مهم نیز در ایران صدق می‌کند و آمارهای اتاق بازرگانی از شاخص شامخ (شاخص مدیران خرید) نشان دهنده دید بهتر تولیدکنندگان به وضعیت اقتصادی کشور در آینده است که به نوعی تولیدکنندگان را ترغیب به تنظیم تصمیمات خود متناسب با تصمیمات سیاستگذار می‌کند. به طور کلی اعتماد به بانک مرکزی از دو بعد «نهادی» و «آینده» آن، زمینه انتقال سیاستگذاری پولی و اهداف بانک مرکزی به اقتصاد را فراهم می‌کند.



اعتماد به بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های پولی و به نتیجه رسیدن آن، تأثیر داشته و بانک مرکزی کشور هم‌اکنون توانسته تا نگاه‌ها و اعتمادها را به خود جلب کند

### بازگشت اعتماد از دست رفته

از آنجا که سرعت گردش پول به نوعی انتظار مردم و فعالان اقتصادی را از موفقیت سیاستگذار در کنترل تورم نشان می‌دهد، بنابراین می‌تواند یکی از معیارهای سنجش اعتبار و اعتماد به سیاستگذار یا بانک مرکزی باشد. در دوره‌های تورمی، ارزش پول کاهش می‌یابد و عاملان اقتصادی پول را از خود دور می‌کنند. بنابراین افراد هیچ تمایلی برای نگهداری پول ندارند، به این طریق پول در جریان معاملات قرار می‌گیرد و سرعت گردش پول افزایش می‌یابد. در اقتصاد ایران، تورم همواره نوسانات زیادی داشته، در نتیجه سرعت گردش پول نیز دستخوش تغییرات قابل توجه بوده است. نکته‌ای که در ارتباط بین سرعت گردش پول و تورم باید مورد توجه قرار گیرد، این است که عاملان اقتصادی تورم هر دوره را در ابتدای دوره بعد مشاهده می‌کنند، در صورتی که تصمیم خود مبنی بر میزان نگهداری پول را در طول دوره می‌گیرند، لذا طی دوره افراد تورم دوره قبل را مشاهده می‌کنند. بنابراین تورم انتظاری آحاد اقتصادی جنبه عقب‌نگر داشته و فعالان عملکرد سیاستگذار و نتیجه آن را زمینه تصمات خود قرار می‌دهند.

بررسی روند سرعت گردش پول در اقتصاد کشور نشان می‌دهد، با وجود جهش ناگهانی سرعت گردش پول در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، این متغیر در سال جاری بعد از پنج سال جهت روند خود را تغییر داده است. کاهش مشاهده شده در سرعت گردش پول به دنبال شکل‌گیری انتظارات کاهشی آحاد اقتصادی نسبت به تورم اتفاق افتاده است. این انتظارات کاهشی به دو طریق شکل گرفته است. عاملان اقتصادی ابتدا با یک تحلیل عقلایی، همت دولت جدید و سیاستگذار مبنی بر کاهش تورم را باور کردند و مبنای رفتار خود نسبت به نگهداری پول قرار دادند. زمینه اصلی رشد نقدینگی و نزدیک شدن به هدف تعیین شده است. عامل دومی که انتظارات کاهشی تورم را تقویت کرد، مشاهده روند کاهشی نرخ تورم به خصوص در تورم نقطه به نقطه است. در پی انتظارات کاهشی تورم، گرایش جامعه به نگهداری پول کمتر شده که این مهم در کاهش شدید تقاضا در بازار دارایی‌ها اعم از خودرو، دلار و... مشخص است. در واقع در سال جاری تا حدودی همت سیاستگذار پولی در راستای کاهش تورم با شدت بیشتری باور شد و انتظارات کاهشی تقویت شد. این مهم در صورت حفظ روند فعلی، می‌تواند اعتماد از دست رفته عاملان و فعالان اقتصادی را مجدداً به بانک مرکزی در اقتصاد ایران احیا کند.



طلا جایگاه خود به عنوان پشتوانه پول را از دست داده و آنچه هم‌اکنون پشتوانه پول است، همان اعتماد و اعتبار ناشر آن یعنی بانک مرکزی است

## تشکیل شورای بانک‌های مرکزی کشورهای بریکس

در حوزه «بریکس+۵» می‌توان یک ارز فرضی به وجود آورد که نرخ آن هفتگی اعلام و پول‌های ملی

نسبت به آن سنجیده شوند و کشورها سه یا شش ماه یک‌بار، در انتهای دوره دست به تسویه حساب بزنند

### یادداشت

#### مسعود دانشمند

عضو اتاق بازرگانی ایران

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای بریکس که بازار آن می‌تواند نصف جمعیت جهان را پوشش دهد، توانایی مبادله کالا با کشورهای عضو داراست، اما انجام مبادلات با توجه به وجود تحریم‌ها نیازمند ارزشگذاری برای کالاها



بوده و این ارزشگذاری کالاها الزاماً نباید با دلار انجام شود، پس چه کار باید کرد؟ پیش و بعد از انقلاب، با کشورهای اروپا شرقی با دلار محاسباتی کار می‌کردیم و clearing dollar به وجود آمد، البته برای امروز توصیه نمی‌شود، اما منظور از بیان آن این است که باید شاخصی تعریف شود تا کار از این طریق پیش برود.

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و پس از آنکه آمریکایی‌ها به هیچ یک از تعهدات خود پایبند باقی‌مانده

البته در این خصوص باید در نظر داشت که انجام این کار در برخی مجامع بین‌المللی مانند آسه‌آن ممکن نیست، در حوزه پیمان شانگهای هم به دلیل آنکه عمده آن از چین و روسیه تشکیل شده است، دنبال چنین

نمانند، سایر کشورها دوره جمع شدند و HDR را به وجود آوردند که یک ارز فرضی صرفاً برای تبادلات بود، بنابراین اعضای بریکس هم می‌توانند اقدام مشابهی را انجام دهند. به این شکل که در حوزه «بریکس+۵» یک ارز فرضی به وجود آید که نرخ آن هفتگی اعلام و پول‌های ملی نسبت به آن سنجیده شوند و سه یا ۶ ماه یک‌بار، در انتهای دوره دست به تسویه حساب بزنند. این مسأله می‌تواند نیاز به دلار را کاهش و ارزش مشترک بریکس را به تدریج توسعه دهد، البته این ارز، ارزی نیست که وارد جیب مردم شود و فقط برای محاسبات تبادلات بازرگانی مناسب است.

بنا گذاشته شود و این ارز در آن جای بگیرد. ایران در حال حاضر با چین حدود ۱۷ میلیارد، با روسیه نزدیک دو میلیارد و با هند نزدیک به ۴ میلیارد دلار مبادلات دارد، این مبلغ به صندوق خواهد رفت و با ارز مشترک بریکس، مبادلات پولی انجام می‌گیرد و در این صورت است که تحریم‌ها بی‌اثر خواهد شد، زیرا تحریم شامل حال دلار خواهد شد و این ارز مشترک را دربر نمی‌گیرد.

چنانچه واقعاً به فکر حذف دلار

هستیم، نباید شعارگونه حرف زد، واقعیت این است که این کار با توجه به اینکه تمام محصولاتی که صادر می‌کنیم به دلار قیمت‌گذاری می‌شود و حدود ۶۵ درصد تبادلات بازرگانی جهان به همین شکل پیش می‌رود و اساساً ذخایر کشورها در بانک‌هایشان هم بیشتر به دلار است، به سادگی امکان‌پذیر نیست. با این حال، کاهش نیاز کشور به دلار راه‌حلی دارد که

باید مورد توجه قرار گیرد. ابتدا نیاز است تا همان‌طور که اشاره شد از شعاری کردن بحث دلارزدایی دوری کرد و درباره بنا نهادن ارز بریکس تصورات غیرواقعی نداشت، مثلاً یک چالش این است که کشوری مانند چین به کدام دلیل باید زیر بار ارز دیگری غیر از یوان برود؟ به همین دلیل است که ارز فرضی مسأله حذف دلار را به مرور پیش خواهد برد و تحقق

آن به کار کردن مستمر در طول زمان نیاز دارد. روز اول که اتحادیه اروپا، یورو را پایه‌گذاری کرد، با این تفکر پیش رفت که دلار حذف خواهد شد، ولی یورو در عمل به یک ارز درجه دو تبدیل شد و حتی فشارهایی که وارد آمد مبنی بر اینکه در محدوده اروپا تبادلات با پولی غیر از یورو صورت نگیرد، موفقیت‌آمیز نبود.

